

# آرزوهای بر زمین مانده فوتبال

آیا ریشه باند حاکم بر فدراسیون خشکانده می‌شود؟ آیا دوره حکومت و یکه تازی حاکمان چندین ساله فوتبال به پایان می‌رسد؟ آیا ساختار فوتبال ما دستخوش تغییرات شده و امور آن بر اساس عدل و انصاف و واقعیت‌ها مدیریت خواهد شد؟ آیا دوره صدور نامه‌های بی‌پایه و اهدای عنوان‌های الکی و جانبدارانه به هیئت‌های استانی به پایان خواهد رسید؟ آیا عوامل زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات و بندهای روشن و واضح اساسنامه رسوا و از صحنه فوتبال کنار گذاشته خواهند شد؟

آیا چرب‌زبانان، آمارسازان، نوچه پروران و دروغگویان برای همیشه فوتبال را ترک خواهند کرد؟ آیا در امور فوتبال انسان‌های صادق، بی‌ریا و مخالف با تبعیض و نفاق به کار گرفته خواهند شد؟ آیا عوامل رسوائی در قرداد ویلموتس و حامیان آنها در هیئت‌های سراسر کشور به سزای اعمال خود خواهند رسید؟

آیا مدیریت جهادی به معنی واقعی در فوتبال ما اعمال می‌شود؟ آیا دست دلان و عوامل فساد از فوتبال قطع خواهد شد؟ آیا در هیئت‌های استانی و شهرستانی در سراسر کشور افراد عادل و توانمند بدون وابستگی به این و آن به کار گرفته خواهند شد؟ آیا پرونده واگذاری پست‌های مختلف در هیئت‌های استانی به هم قبیله‌ای‌های ناآشنا با فوتبال برای همیشه بسته خواهد شد؟

آیا استفاده ابزاری از برخی از بزرگان به پایان خط رسیده و بهره بردن از آگاهی‌ها و تجربه‌های مو سپید کرده‌ها در راه درست و اصولی انجام خواهد شد؟ آیا استبداد رأی در فوتبال کشور جای خود را به تفکر و اندیشه و بهره‌گیری هرچه بیشتر از مشاوره خواهد داد؟ آیا برای تصدی امور فوتبال در انتخاب افراد مؤمن، بااخلاص، متقی و متعهد تلاش خواهد شد؟

آیا در گزینش نفرات و حل مشکل مجموعه‌های فوتبالی دخالت دهی حب و بغض شخصی متوقف می‌شود؟ آیا دایره عمل افراد ظاهر ساز، متملق و چاپلوس محدود خواهد شد؟ آیا به مفهوم واقعی آینده‌ای برای فوتبال در هیئت‌های استانی ترسیم می‌شود؟ و آیا کنگر خورده‌های لنگر انداخته به ترک صحنه فوتبال و واگذاری امور آن به فوتبالی‌های اصیل و با سابقه و با پیشینه مؤثر و قابل قبول مجبور می‌شوند؟

اینها به همراه دهها سؤال دیگر در ذهن علاقه‌مندان راستین فوتبال

موج میزند و همه امیدوارند تا روز برگزاری انتخابات که دهم اسفند ماه خواهد بود کارها طوری پیش روند و در مسیر قرار بگیرند تا حق به حق دار برسد و فصل تازه‌ای در مدیریت فوتبال کشور گشوده شود.

در روزهای گذشته خبرهای متعددی از رد صلاحیت برخی از کاندیداها در فضای مجازی منتشر شد. هرچند که این امر توسط کمیته بدوی فدراسیون تکذیب گردید ولی پخش خبر مبنی بر رد صلاحیت چهره‌هایی چون عزیزی و بهاروند خوشحالی بسیاری از دوستداران فوتبال را موجب شد.

وضعیت فوتبال کشور نمونه‌ای از کارنامه مجموعه‌ای است که از زمان ریاست علی کفاشیان بر فوتبال مملکت سایه انداخته و آن را مدیریت نموده‌اند. حال زار فوتبال در برخی از استان‌های کشور حاصل به کارگیری افراد مورد تأیید و مورد حمایت فدراسیونی هاست. در این ارتباط می‌توان مثال‌های متعددی زد اما نیازی به اسم بردن نیست چرا که واقعیت‌های موجود در فوتبال استان‌ها خود مشخص کننده مسائل متعدد در باب خدمت و خیانت به فوتبال می‌باشد.

تا زمانی که در فوتبال قوانین موجود حرف و اول آخر را نزنند و 28 با 35 مساوی باشد و یا مدرک فوق دیپلم به عنوان مدرک کارشناسی تلقی شود و یا قراردادهای ویلموتسی منعقد گردد امید برای بهتر شدن اوضاع چیزی عبث و بیهوده خواهد بود.

امید فوتبالی‌های این کشور به تصمیم و اراده اکثریت اعضای مجمع انتخاباتی فدراسیون است که بتوانند در دهم اسفندماه فوتبال را از دام ناکارآمدی‌ها، چرب زیانی‌ها و باندبازی‌ها نجات بدهند. انشالله.